

خلیج فارس و جزایر ایران

(قسمت سوم)

سرلشکر پاسدار دکتر سید یحیی صفوی
دانشیار دانشگاه امام حسین (علیه السلام)

نقش فرهنگی و ایدئولوژیکی

منطقه خلیج فارس کانون ظهور و گسترش دین مبین اسلام بوده است و از این منطقه اندیشه اسلامی به غرب و شرق عالم و حتی نقاط دوردست امریکا منتشر شده است.

خلیج فارس در قلب جهان اسلام واقع است و فاصله آن با کرانه‌های شرقی و غربی دنیای اسلام تقریباً برابر است. احیای اندیشه ناب محمدی (ص) در پی ظهور و پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه باعث نشر آن از این منطقه به سراسر جهان اسلام شد و مسلمانان جهان را تکانی داد و باعث جنبشهای اسلام خواهی و مبارزه با سیاستهای ظالمانه حاکم بر جهان گردید. بروز این پدیده تاریخ‌ساز در منطقه استراتژیک خلیج فارس به عنوان قلب تپنده اقتصاد جهانی که جزو هدفهای استراتژیک قدرتهای سلطه‌گر شرق و غرب است، موجبات نگرانی شدید آنها را فراهم آورد و به دنبال اهمیت خلیج فارس در معادلات سیاستهای جهانی و استراتژیهای قدرتهای بزرگ جایگاه مضاعفی پیدا کرد.

اوضاع اجتماعی خلیج فارس

جمعیت خلیج فارس در سال ۱۹۸۸ به تعداد ۹۱ میلیون و ۷۴۳ هزار و ۹۰۰ نفر یعنی برابر ۸ درصد جمعیت کل جهان بوده است. توزیع جمعیت در منطقه متعادل نیست و ایران با داشتن ۵۹/۴٪ جمعیت، پر جمعیت‌ترین کشور منطقه است. به طور کلی کشورهای شمال خلیج فارس پر جمعیت‌تر از کشورهای جنوب آن می‌باشد.^(۱)

تراکم نسبی جمعیت نیز نامتعادل است و بحرین با تراکم ۶۶۳ نفر در کیلومتر مربع متراکم‌ترین و عمان با ۲ نفر در کیلومتر مربع کم‌تراکم‌ترین کشورها در منطقه می‌باشد. ترکیب مذهبی جمعیت نشان می‌دهد که اکثریت جمعیت منطقه مسلمان و شیعه مذهب هستند، یعنی بیش از ۹۳ درصد کشور پر جمعیت منطقه یعنی ایران (۵۹/۴٪ جمعیت کل منطقه را شامل می‌شود)

۶۲٪ جمعیت بحرین و حدود ۶۰٪ جمعیت عراق و اکثریت جمعیت دومی و سکنه مناطق نفتی عربستان (شرق کشور) را شیعیان تشکیل می‌دهند. علاوه بر آن در کشورهای کویت، قطر، عمان نیز جمعیت کثیری از شیعیان حضور دارند. از میان چهار کشوری که شیعیان در اکثریت هستند یعنی ایران و عراق و بحرین و امارات فقط در ایران رئیس حکومت شیعه مذهب می‌باشد و در سه کشور دیگر رئیس حکومت اهل تسنن است.

در درجه بعدی اهل تسنن در اکثریت هستند و در عمان نیز ۷۵٪ جمعیت را مسلمانان عبادی تشکیل می‌دهند. بالاترین رقم نسبی غیرمسلمانان که عمدتاً پیروان ادیان الهی هستند در کشور کویت و بحرین مشاهده می‌شود (۸/۵٪ کل جمعیت در کویت و ۵٪ در بحرین)، تجانس مذهبی همراه با کثرت جمعیت تنها در کشور ایران مشاهده می‌شود و همین امر یکی از عوامل بزرگ قدرت ایران در منطقه خلیج فارس است.

ترکیب قومی جمعیت نشان می‌دهد که اکثریت جمعیت منطقه را اعراب و سپس فارسها تشکیل می‌دهند و کشورهای بحرین، عراق و عربستان و عمان و کویت از تجانس قومی بالایی برخوردارند در درجه بعد ایران از حیث کثرت فارسها از تجانس بیشتری برخوردار است. گسسته‌ترین ترکیب قومی جمعیت را در منطقه خلیج فارس کشورهای امارات متحده عربی و قطر دارند.

تطبیق تمایز تجانس مذهبی و قومی در منطقه خلیج فارس آنرا به دو بخش نسبتاً ترکیب شده تقسیم نموده است.

تطبیق اکثریت شیعیان و فارسها که استعمار غرب سالها کوشیده است از آن بهره‌برداری کند و با ترویج تفکر انحرافی "مقابله عرب و عجم" مانع وحدت منطقه شود، موجب گردیده سالها و بلکه قرن‌ها حضور خود را بر منطقه تحمیل کند و ثروتهای آنرا به غارت ببرد، در حالی که براساس اصل ضرورت دفع دشمن مشترک، یعنی "اروپاییهای غیرمسلمان" مردم منطقه می‌توانستند به اتحاد و وحدت دست یابند و زیربنای ساختمان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مستقلی را در منطقه خلیج فارس پی‌ریزی کنند. تجربه

انقلاب اسلامی و دفاع عمومی در کشور ایران نشان داد که شیعه، سنی، عرب و عجم می‌توانند بر محور اندیشه اصیل اسلامی گرد هم آیند و نه تنها بر علیه دشمنان اسلام و مسلمین بلکه بر علیه هر اقدام ظالمانه دیگری نظیر وجود رژیم صهیونیستی و کشتار مسلمانان فلسطین و آزادی قدس شریف موضع واحدی بگیرند.

توزیع نامتعادل جمعیت و منابع در منطقه خلیج فارس، توزیع نابرابر درآمدها را به دنبال داشته است. با نگاهی به وضعیت درآمدها در کشورهای منطقه روشن می‌شود که درآمد سرانه تابعی از تغییرات درآمد نفت است. دیگر اینکه درآمدهای کشورهای جنوبی حوزه خلیج فارس که گاهی اوقات حتی رکورد جهانی را می‌شکنند بسیار بالاتر از کشورهای شمالی است. مثلاً در سال ۱۹۸۸ امارات متحده و قطر به ترتیب با ۱۵۷۷۰ و ۱۵۶۴۵ دلار بالاترین و عراق و ایران به ترتیب با ۳۰۷۰ و ۲۰۶۰ دلار دارای پایین‌ترین درآمد بوده‌اند.

درآمد امارات در جنوب ۷/۶۵ برابر درآمد سرانه ایران در شمال منطقه بوده است و این باعث ایجاد وضعیت اقتصادی و اجتماعی بسیار نامتعادلی در شمال و جنوب خلیج فارس شده است. به طوری که رابطه ساکنان حاشیه جنوبی کشور ایران را با کشورهای جنوبی و غیره تقویت نموده به سرازیری دلارهای ایران به سمت این کشورها و تشدید بازار قاچاق از امارات به حاشیه جنوبی کشور ایران منجر شده است.

گسترش رابطه اقتصادی ساکنان جنوب ایران با کشورهای عرب حوزه خلیج فارس با توجه به زمینه‌های تاریخی و تعلقات قومی و مذهبی که بین آنان وجود دارد در این منطقه حساس و استراتژیک درخور تأمل است، زیرا در بلندمدت ممکن است به شکل‌گیری پیوندهای ژئوپلیتیکی جدیدی بینجامد و در مصالح و منافع ملی کشور ایران زمینه ایجاد مشکلاتی را فراهم کند.

یکی از مشخصه‌های اجتماعی منطقه خلیج فارس وجود نیروی کار خارجی در منطقه است که به دلیل حجم بالای فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و کمبود شدید نیروی ماهر و متخصص بومی، همچنین جمعیت کم در کشورهای منطقه خلیج فارس، به جز ایران وجود دارد. این نیروها عمدتاً از کشورهای هند، پاکستان، سریلانکا، بنگلادش، ایران، فلسطین، یمن، مصر و کشورهای غربی به منطقه آمده‌اند. تعداد این نیروها در حال حاضر ۸،۶۵۹،۶۱۰ نفر در هفت کشور منطقه است.

عمده این جمعیت از هند و پاکستان، به صورت نیروی ساده و خدماتی و نیمه ماهر به منطقه آمده‌اند و در بخش‌های مختلف تجاری، صنعتی، اداری و حتی نظامی و انتظامی در کنار متخصصان پاکستانی، هندی، ایرانی و اروپایی و امریکایی کار می‌کنند و متقابلاً با انتقال ارز حاصل از اشتغال خود از این رهگذر کمک فراوانی به اقتصاد کشورهای خود می‌کنند.

زمینه حضور نیروهای خارجی آسیایی به ویژه هندی و پاکستانی را انگلیسیها فراهم آوردند، زیرا برای حفاظت از منافع خود در منطقه و به خصوص فعالیت‌های نظامی، اقتصادی و حمل و نقل، نیاز به نیروهای مطیع و کم‌خرج داشتند که این نیاز با جذب نیرو از مناطق مزبور تأمین می‌شد.

حضور بلندمدت این نیروها در منطقه باعث پیوند خوردن جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی بین حاشیه جنوبی خلیج فارس با جنوب آسیا شده است.

درآمد پایین و کم‌بودن کار در کشورهای مزبور و متقابلاً بالا بودن سطح درآمد در حاشیه جنوبی خلیج فارس از عوامل گسترش مهاجرت نیروی کار آسیایی، افریقایی و عرب به منطقه است. حضور نیروهای نظامی پاکستان، بنگلادش، مصر و سوریه، ترکیه و سایر کشورهای منطقه در خصوص بحران عراق و کویت ضمن اینکه به عنوان بخشی از استراتژی غرب در منطقه دیده می‌شود، جلوه‌ای است از نیاز منطقه به نیروی کار خدماتی و تخصصی بیرون از آن که هر روز ابعاد گسترده‌تری به خود می‌گیرد. در خصوص نیروی کار خارجی در مناطق خلیج فارس چند نکته قابل توجه است.

نخست، اینکه نیروهای مهاجر خارجی به نسبت جمعیت بومی از وضعیت اقتصادی و اجتماعی پایین‌تری برخوردارند و عمدتاً آسیایی‌ها نقش نیروی خدماتی را در فعالیتهای عمومی و یا خصوصی به عهده دارند و به کارهای سخت برای کسب درآمد تن درمی‌دهند.

دوم، وجود نیروی خارجی چندملیتی، باعث امتزاج عناصر فرهنگی ملیتها در منطقه می‌شود و بتدریج هویت فرهنگی بومی را از بین می‌برد، به خصوص که اروپاییان و هندیهای غیرمسلمان با ارزشهای فرهنگی خود در بین مسلمانان ضایعات فرهنگی خاصی از خود به جا می‌گذارند.

سوم، وجود نیروی کار چندملیتی در یک کشور، آن هم در تشکیلات سیاسی و نظامی (امارات، بحرین و قطر) از حیث اقتدار و حاکمیت ملی، محل اشکال است. البته اخیراً کشورهای مزبور به این موضوع پی برده‌اند و در جهت تربیت نیروی بومی و انتقال علوم و فنون و مهارتها به آنها اقدام می‌کنند و با سازماندهی و سرمایه‌گذاری در امر تعلیم و تربیت مدرسه‌ای و دانشگاهی سعی دارند این مشکل خود را کاهش دهند.

اوضاع سیاسی - امنیتی خلیج فارس

ساخت سیاسی منطقه خلیج فارس تحت تأثیر شرایط منطقه‌ای و سیاستهای جهانی شکل گرفته است. وجود فرهنگ قبیله‌ای در کشورهای جنوب حوزه خلیج فارس و حضور دیرینه امپراطوری انگلستان و سیاستهای آن، شکل خاصی از حکومت را در امیرنشینهای این منطقه به وجود آورده است که ترکیب حاکمیت مطلقه و سرمایه‌داری انحصاری از مشخصه‌های بارز آن به حساب می‌آید. چنین وضعیتی در کویت، قطر، بحرین، امارات، عمان و عربستان وجود دارد.^(۲)

انگلستان سالها در امور سیاسی - دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی، فرهنگی، مالی و اداری آنها دخالت کرده و اکنون نیز حضور پشت پرده خود را حفظ نموده است. یعنی در واقع خروج انگلستان از منطقه خلیج فارس بعد از سال ۱۹۷۱ بیشتر جنبه ظاهری داشته است.

میراث عملکرد دولت انگلیس در منطقه تعیین مرزهای مسئله‌دار و قابل اختلاف و درگیری در تمامی کشورهای حوزه خلیج فارس است که به

صورت یکی از عوامل اصلی بحران و تهدید امنیت منطقه‌ای خلیج فارس هر چند گاهی بروز می‌کند. (حمله عراق به ایران و کویت)

در منطقه خلیج فارس هشت واحد سیاسی مستقل وجود دارد که ارتباط هر یک با سیاست جهانی وضعیت خاص دارد و روابط سیاسی نظامی و اقتصادی هر کدام با یکی از ابرقدرتها گره خورده است. پیروزی انقلاب اسلامی در منطقه ایران را از وابستگی به قدرت امریکا جدا کرد و موضعی مستقل به آن بخشید، به نحوی که تاکنون توانسته است در سیاست جهانی موضع مستقل خود را حفظ و اعمال کند. البته سیاست جهانی نیز به دلیل احساس نگرانی از وجود پدیده انقلاب اسلامی و تهدیدی که برای منافع قدرتهای جهانی در منطقه و جهان اسلام به وجود می‌آورد، اقدامات منطقه‌ای و بین‌المللی را علیه آن بسیج کرد مثلاً بهره‌برداری از زمینه‌های مساعد داخلی و فشار اقتصادی و تجاوز نظامی به ایران و نهایتاً بسیج عمومی قدرت غرب علیه جمهوری اسلامی ایران، دلیل روشنی از خصومت و تقابل قدرتهای جهانی با انقلاب اسلامی است.

ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل مستعد بودن برای تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای، برخوردار از موقع جغرافیایی مناسب و داشتن حکومت وابسته به شدت مورد توجه آمریکا قرار داشت و به عنوان یکی از ستونهای منطقه‌ای امریکا در شبه جزیره جنوب غرب آسیا محسوب می‌گردید و امریکا سرمایه‌گذاری زیادی برای تبدیل آن به ژاندارم منطقه و قدرت منطقه‌ای وابسته به امریکا انجام داد. خروج ایران از سیطره امریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر اهداف و سیاستهای منطقه‌ای امریکا ضربه مهلکی وارد آورد هر چند نیوستن ایران به رقیب وی یعنی روسیه و بلکه برعکس اتخاذ موضع ضدروس توسط جمهوری اسلامی ایران اندکی از شدت این ضربه کاسته است.

جدایی ایران از امریکا صرفاً یک گریز ساده نبود بلکه باعث شد ایران به یک پایگاه منطقه‌ای و جهانی علیه اهداف و سیاستهای امریکا تبدیل شود.

کشورهای بحرین، قطر، امارات، کویت، عمان و عربستان غربی هستند و ساختار اقتصادی و سیاسی آنها با فرهنگ سیاسی و اقتصادی مغرب زمین تناسب اکولوژیک یافته است. این کشورها به شدت از شوروی سابق و اردوگاه سوسیالیسم پرهیز نموده و روابط بسیار محدودی از لحاظ سیاسی و اقتصادی با این اردوگاه داشته‌اند.

کشورهای عربستان، عمان، بحرین و کویت تنها به حفظ و تقویت روابط سیاسی و اقتصادی با غرب اکتفا ننموده، بلکه گام فراتر گذاشته و پایگاههای نظامی نیز به کشورهای امریکا و انگلیس واگذار کرده‌اند. در منطقه خلیج فارس تنها کشور عراق دارای وابستگی سیاسی، نظامی و اقتصادی با شوروی سابق و کشورهای سوسیالیستی سابق بود.

در بررسی روابط خارجی عراق مشخص می‌شود، این کشور در روابط سیاسی و نظامی خود عمدتاً وابسته به بلوک شرق بوده است. ولی در روابط اقتصادی حدود ۵۰٪ مبادلات آن کشور با کشورهای صنعتی غربی صورت می‌پذیرد و حتی در دوران جنگ علیه ایران از اکثر کشورهای غربی اسلحه خریداری کرده است.

عراق در سال ۱۹۷۲ پیمان دوستی و همکاری سیاسی، اقتصادی و امنیتی پانزده ساله با شوروی سابق امضا کرده است که خودبه خود برای دوره‌های پنجساله قابل تجدید است. شوروی سابق در بحران حمله عراق به کویت موضع محتاطانه‌تری به خود گرفت.

از بین کشورهای طرفدار غرب در منطقه، عربستان به امریکا و عمان و امارات متحده عربی به انگلستان و امریکا گرایش دارند. البته تمامی این کشورها قبلاً منطقه نفوذ انگلستان بوده‌اند و با تغییر اوضاع بعد از جنگ جهانی دوم وابستگی آنها به امریکا بیشتر شده است.

از کشورهای منطقه خلیج فارس عراق، ایران، عربستان، کویت، بحرین و عمان دارای مشکلات امنیتی داخلی بوده‌اند. عراق، ایران و عمان گاهی با مسئله جدایی طلبی قومیتها روبرو بوده‌اند و این مشکلات که اکنون به نظر می‌رسد حل شده‌اند ممکن است در چارچوب سیاستهای منطقه‌ای و یا جهانی زنده شوند و دوباره مشکلاتی را پدید آورند.

در منطقه خلیج فارس نظام سیاسی کشورهای عربستان و عمان پادشاهی، ایران و عراق جمهوری و کویت، قطر، بحرین و امارات متحده عربی امیرنشین است.

پیروزی انقلاب اسلامی در منطقه خلیج فارس و ظهور ایران به عنوان یک کشور مستقل و معارض ابرقدرتها، تحولاتی را در منطقه ایجاد کرد. یکی از آثار انقلاب اسلامی انتشار اندیشه اصیل اسلامی در منطقه و سراسر جهان بود که به دنبال آن بیداری مسلمانان منطقه و جنبشهای اسلام خواهی را که با حکومتهای حاکم بر کشورها در تعارض بود، باعث شد.

انگلستان در دوران طولانی حضور خود در منطقه خلیج فارس، الگوی تقسیمات سیاسی‌ای را پیاده کرد که در غالب مناطق آن اختلاف مرزی را بین کشورهای مجاور همدیگر در درون خود پرورش می‌دهد.

مجموعه اختلافات مزبور از وجود پتانسیل قوی برای ایجاد ناامنی در منطقه خلیج فارس، حکایت دارد و مسائل منطقه آنچنان به همدیگر و به کل جهان پیوند خورده که کافی است یکی از اختلافات مزبور از حالت خفته بیدار شود تا برای خلیج فارس، بحران بزرگی پدیدآورد. حتی نمی‌توان امید داشت که اختلافات حل شده دوباره به بحرانی بزرگ تبدیل نشوند، زیرا دو مورد از آنها که حل شده تلقی می‌شدند، در طول دهه گذشته به بحرانهای بزرگی تبدیل گردیده‌اند. عراق که به وجود آورنده هر دو بحران بوده است در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تهاجم وسیعی را به خاک جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد و بخشهای عمده‌ای را به تصرف خود درآورد. هنوز مدت کوتاهی از عقب‌راندن عراق از خاک ایران نگذشته و مذاکرات صلح به نتیجه نرسیده‌بود که در تهاجم ۱۳۶۹/۵/۱۱ خاک کویت را به طور کامل به اشغال خود درآورد. ترکیب وضعیت جغرافیای عراق از حیث دسترسی به آبهای آزاد و نیز خصیلتهای بلندپروازی نظام سیاسی حاکم بر عراق به ویژه شخص صدام حسین و نیز قدرت نظامی وسیع آن حکومت عراق را به صورت یک موجود مهاجم و تجاوزکار درآورد که امنیت همسایگان به ویژه آنهاهی که طرف اختلاف بودند را تهدید می‌کرد.

امام خمینی (قدس سره) در توصیف صدام فرمودند: "صدام در تهاجم

به این کشور اسلامی (ایران) نقشه سیادت خود بر اعراب و منطقه و ژاندارمری خلیج فارس را تعقیب می نمود". بحرانی که صدام در تهاجم خود به ایران برای خلیج فارس آفرید، امنیت کل منطقه خلیج فارس را به خطر انداخت و باعث شد، اولاً وابستگی دنیای صنعتی به نفت خلیج فارس و به ویژه تنگه هرمز کاهش یابد، ثانیاً تهاجم نیروهای دریایی کشورهای غربی و به ویژه آمریکا و حتی شوروی سابق را به منطقه خلیج فارس به بهانه حفظ امنیت و یا دستاویز همیشگی آمریکا یعنی (دفاع از منافع ملی و حیاتی) باعث شود. عراق سعی داشت جنگ را به دورترین نقاط اعماق آبهای خلیج فارس بکشاند و سراسر منطقه را یکپارچه ناامن کند و حملات هوایی و بمبارانهای مکرر ترمینال نفتی خارک - جزیره سیری - جزیره لاوان و غیره و نیز حمله به کشتیهای نفتکش و تجاری را در طول هشت سال بر فراز آبهای خلیج فارس ادامه داد.

در طول هشت سال (۱۹۸۷-۱۹۸۰) جمعاً ۴۸۰ کشتی مورد حمله هوایی قرار گرفت که ۳۳۵ فروند نفتکش و ۱۴۵ مورد دیگر تجاری بوده است.

بررسی وضعیت نظامی کشورهای منطقه خلیج فارس

در منطقه خلیج فارس دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عراق (تا قبل از حمله نظامی آمریکا) و شورای همکاری خلیج فارس مرکب از شش کشور عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی، قطر، بحرین و عمان با ارشدیت عربستان سعودی از قدرت نظامی قابل ملاحظه‌ای برخوردارند. ایران اسلامی با داشتن جمعیت ۷۰ میلیون نفری و موقعیت برتر جغرافیایی و نظام مقتدر مردمی و انقلابی و داشتن نیروهای مسلح کارآمد و با تجربه هشت سال دفاع مقدس و حدود ۷ میلیون نفر بسیجیان وفادار به نظام و داشتن صنایع فن‌آوری نظامی بومی که قادر است تجهیزات مورد نیاز نیروهای مسلح را تولید کند و دانشگاههای نظامی که مشغول تربیت و آموزش نیروهای مسلح می‌باشند از قدرت نظامی کافی برای دفاع از کشور ایران و کمک به تأمین صلح و امنیت پایدار در منطقه حساس خلیج فارس برخوردار است.

شورای همکاری خلیج فارس از حیث واگذاری بالاترین درصد بودجه برای خرید تجهیزات نظامی و تبدیل کردن کشورهای جنوبی خلیج فارس به انبارهای تسلیحاتی خارج از ظرفیت منطقه، مقام ردیف اول را به خود اختصاص داده است.

عراق تا قبل از حمله نظامی آمریکا، با توجه به ماهیت رژیم سیاسی و تفکر نظامی حاکم با داشتن حدود یک میلیون نیروی نظامی و اختصاص بیش از ۳۰٪ سهم بودجه نظامی از تولید ناخالص ملی خود قدرت نظامی دیگر منطقه خلیج فارس است. قدرت سیاسی و نظامی عراق با تجاوز به دو کشور ایران و کویت و بدون کسب هیچگونه امتیازی مواجه با ضعف شد.

حوزه خلیج فارس به لحاظ اهمیت حفظ امنیت آن از دید کشورهای ساحلی و نیز ابرقدرتهای خارجی، دارای پایگاههای متعدد نظامی دریایی و یا هوایی است که تعدادی از آنها در اختیار قدرتهای بزرگ قرار دارد.

پایگاههای نظامی کوچک و بزرگ کشورهای منطقه در ساحل خلیج فارس عبارتند از:

- ۱- امارات متحده عربی: ابوظبی، دلمه، بندر زید، عجمان، بندر راشد، جبل علی، فجیره، سکر، شارجه، خورفکان و بندر طویلا
 - ۲- ایران: بندرعباس، بوشهر، بندر امام خمینی، چاه‌بهار
 - ۳- بحرین: در جفیر و منامه
 - ۴- عراق: بصره و أم القصر
 - ۵- عربستان سعودی: جبیل، القطیف، ظهران، رأس التنوره، الدمام، رأس المیشاب. این کشور در سواحل بحر احمر پایگاههای جده، الواجه و ینبوع را نیز داراست.
 - ۶- عمان: سیب، دمام، رایسات، جزیره غنم، خصاب، اکوی و مسقط.
 - ۷- قطر: دوچه.
 - ۸- کویت: الدامی و شویخ جزیره فیلکه.
- پایگاههایی که در اختیار نیروهای بیگانه در خلیج فارس است عبارتند از:

- ۱- پایگاه بحرین در اختیار آمریکا.
 - ۲- ظهران در اختیار امریکاست. این پایگاه پس از تأسیس شرکت آرامکو و به بهانه حفاظت از تأسیسات آن ایجاد شد و امروزه یکی از پایگاههای مهم خلیج فارس است که از منطقه شمال شرق عربستان حفاظت می‌کند، زیرا در این منطقه تأسیسات حیاتی وجود دارد که عبارتند از: پالایشگاههای رأس التنوره و خفجی با تأسیسات بندرگاهی رأس التنوره به عنوان بزرگترین بندر صادراتی نفت، تأسیسات بندر بزرگ تجاری و نفتی الدمام کارخانجات آب شیرین کن، خط لوله نفتی ظهران به ینبوع، از همه مهمتر تأسیسات عظیم استخراج، تولید و حمل نفت عربستان به سراسر جهان.
 - ۳- پایگاههای اطلاعاتی و کنترل جزیره الغنم و خصاب در دهانه تنگه هرمز قرار دارد که از گذشته در اختیار انگلیس بوده‌اند و عمان برای این امر کمک دریافت می‌کند.
 - ۴- پایگاه نظامی مصریه که قبلاً در اختیار انگلیس بود و در ۱۹۷۷ آن را به آمریکا واگذار کرد.
- در ضمن آمریکا و قدرتهای دریایی غرب اجازه بهره‌برداری از کلیه پایگاههای دریایی و هوایی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس را دارند، چنانکه در بحران عراق و کویت شاهد بودیم که نیروهای غربی اعم از دریایی و هوایی از پایگاههای عربستان، امارات متحده عربی، بحرین، قطر و عمان استفاده کردند.
- ذکر این نکته لازم است که مجموعه عوامل ذیل باعث پیچیدگی مسائل منطقه‌ای و دخالت قدرتهای جهانی در سرنوشت مردم منطقه شده است که مانع شکل‌گیری الگوی امنیتی پایدار برای آن می‌شود. این عوامل عبارتند از: وابستگی صنایع کشورهای غربی به نفت خلیج فارس، قرار داشتن آن در استراتژی روسیه به عنوان یک نیاز ژئواستراتژیک، وجود انقلاب اسلامی و پخش فرهنگ آن در منطقه، وجود زمینهای ارضی و سرزمینی اختلاف

آفرین، وجود سرمایه‌ها و دلارهای نفتی زیاد و بازار مصرف غنی، تشدید رقابت اقتصادی بین کشورهای صادرکننده کالا به منطقه که عمدتاً غربی هستند، وجود ناهمگونی عقیدتی سیاسی در نظام‌های سیاسی حاکم و وجود ترکیب مذهبی و قومی نسبتاً نامتجانس در کل منطقه.

مسائل منطقه‌ای خلیج فارس علاوه بر تأثیرپذیری از قالب سیاستها و استراتژیهای قدرتهای جهانی، تحت تأثیر سه قدرت منطقه‌ای از جمله ایران، و شورای همکاری خلیج فارس نیز قرار دارد.

ایران از موقعیت ژئوپلیتیکی برتری در منطقه برخوردار است و به همین دلیل هرگونه طرح و اقدام سیاسی، اقتصادی، امنیتی، و دفاعی در منطقه خلیج فارس بدون در نظر گرفتن ایران به نتیجه نخواهد رسید.

عراق تا قبل از حمله نظامی آمریکا، صرفاً از قدرت نظامی کمی برخوردار و فاقد برتری دیگری در منطقه خلیج فارس بوده است. البته در خصوص قدرت نظامی نیز جنگ چندساله عراق علیه ایران ثابت کرد که ایران با وجود کمبود نیروهای کمی و تسلیحات، ولی به دلیل دارا بودن نیروهای داوطلب و بسیجی و نیز در اختیار داشتن سپاه و ارتش با ایمن و دلیر و ایثارگر و متکی بودن به ارزشهای اسلامی جهاد و شهادت و توکل بر خدا، از قدرت نظامی بسیار بالایی برخوردار است که از این حیث نیز دارای قدرت منطقه‌ای برتر می‌باشد.

بیشتر کشورهای جنوبی خلیج فارس از حیث قدرت اقتصادی، در منطقه برتری دارند، اما این قدرت نمی‌تواند منشأ نفوذ پایدار باشد. زیرا نفوذ و برتری مستلزم وجود قدرتی ناشی از ترکیب عوامل فکری و عقیدتی، اجتماعی، جغرافیایی، روانی و روحی، اقتصادی و نظامی و فن‌آوری است که آنها فاقد این عواملند و اگرچه از حیث قدرت مالی بر سیستم پولی جهان اثر می‌گذارند ولی از حیث قابلیت‌های دفاعی عقب افتاده‌اند و بیشتر به قدرتهای خارجی متکی هستند.

این کشورها در اوایل دهه ۱۹۸۰ به ایجاد تشکلی منطقه‌ای با نام (شورای همکاری خلیج فارس) اقدام کردند تا شاید در پناه آن بتوانند ضعف دفاعی و استراتژیک خود را جبران کنند، ولی بحران اشغال کویت توسط عراق در دوم اگوست ۱۹۹۰ و انجام ندادن هیچگونه اقدام نظامی حتی از سوی نیروهای کویتی ثابت کرد که این تشکل کارایی لازم را ندارد.

عناصر قدرت در منطقه خلیج فارس از هم گسسته بوده و این گسستگی یکی از عوامل و زمینه‌های حضور قدرتهای خارجی در منطقه است. اگر قدرتهای منطقه‌ای که بنیادهای قدرت آفرینی آنها مکمل یکدیگر است، تشکل واحدی بمنظور حفظ امنیت خلیج فارس در مقابل تجاوز بیگانگان به ویژه ابرقدرتها ایجاد کنند، یقیناً ترکیب قدرت اقتصادی و نظامی و ایدئولوژیکی اسلامی آنها به تولد قدرت عظیمی در خاورمیانه منجر خواهد شد که می‌تواند در مقابل تجاوزها بایستد و بر روند سیاستهای جهانی از جمله مسئله آزادی فلسطین اشغالی تأثیر بگذارد. ولی از آنجایی که تشکل مزبور با اهداف استراتژیک قدرتهای جهانی مغایر است و قدرتهای منطقه‌ای خلیج فارس نیز خود انعکاسی از مقیاس بزرگتر صف‌بندیهای جهانی در سه اردوگاه غرب، شرق و اسلام (ایران) می‌باشد، از طرفی فلسفه

وجودی شورای همکاری خلیج فارس اقتضای دیگری دارد و اساس آن برمقابله با قدرتهای منطقه‌ای (ایران) شکل گرفته است، احتمال ایجاد پیمان و اتحاد کاملی را که تمامی کشورهای حوزه خلیج فارس در آن حضور داشته باشند، کم می‌کند. مگر اینکه حوادث جهانی و یا بروز تحولات ساختاری در نظام سیاسی اجتماعی کشورهای وابسته منطقه، زمینه را برای چنین اتحادی فراهم کند. بهترین دلیل برای تحقق نیافتن اتحاد موردنظر حوادثی است که در طول یکسال اتفاق افتاد یعنی عربستان و عراق پیمان عدم تجاوز را در مارس ۱۹۸۹ در هنگام دیدار فهد شاه عربستان از بغداد امضاً کردند و از طرفی شورای همکاری عرب با عضویت عراق، مصر، یمن شمالی و اردن برای همکاریهای اقتصادی و طبعاً سیاسی و نظامی تشکیل شد. ولی هنوز یکسال نگذشته بود که عراق با اشغال کویت، تمام آنها را متلاشی کرد و مصر و عربستان در مقابل عراق قرار گرفتند.

منابع و مأخذ

- ۱- اسدی، بیژن؛ خلیج فارس از دیدگاه آمار و ارقام.
- ۲- تری، یوسف؛ بررسی روابط اقتصادی و نظامی ایران و ایالات متحده آمریکا؛ تهران، نشر عروج، ۱۳۷۹.
- ۳- تکمیل همایون، ناصر؛ مفهوم امنیت دریایی در تاریخ ایران؛ مجموعه مقالات سومین سمینار خلیج فارس، ۱۳۶۹.
- ۴- جعفری ولدانی، اصغر؛ نگاهی تاریخی به جزایر ایرانی تنب و ابوموسی؛ وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶.
- ۵- جغرافیای ایران؛ جلد اول؛ وزارت آموزش و پرورش.
- ۶- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، سمت، ۱۳۶۷.
- ۷- سرکیس، نیکلاس؛ نفت تنها و آخرین شانس خاورمیانه؛ مترجم: ارسلان ثابت سعیدی؛ تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- ۸- عزتی، عزت...؛ جغرافیای نظامی ایران؛ دانشکده افسری، ۱۳۶۶.
- ۹- عقلمند، احمد؛ تحلیلی بر اوضاع ژئوپلیتیک و استراتژیک خلیج فارس؛ مجموعه مقالات سمینار مسائل خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۸.
- ۱۰- فرهنگ گیتاشناسی، ۱۳۶۰.
- ۱۱- کیهان، مسعود؛ جغرافیای طبیعی خلیج فارس، مجموعه مقالات سمینار خلیج فارس.
- ۱۲- مانیان‌فر، مصطفی؛ لر دکر و زون و خلیج فارس، ماهنامه خلیج فارس و امنیت، خرداد و تیر ۱۳۸۰.
- ۱۳- میرحیدر، درّه؛ ژئوپلیتیک تنگه هرمز و خلیج فارس، مجله سیاست خارجی.

پی‌نوشت

- ۱- محمدرضا حافظ‌نیا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، سمت، تهران، ۱۳۷۱، ص ۴۱.
- ۲- همان، ص ۴۸.

